

مجالس رمضانی

۲۷

مجلس بیست و هفتم

دربارهٔ نوع دوم اسباب ورود به دوزخ



علامه محمد بن صالح العثیمین رحمہ اللہ

ترجمہ: دکتر جمشید رخشانی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس بیست و هفتم: دربارهٔ نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

سپاس خداوندی را که خلق را با قدرتش پدید آورد، و عجایب حکمتش را در آنها نشان داد، و یگانگی خود را با آن ثابت کرد. به این حکم کرد که شخص خطاکار باید عقوبت بشود، سپس دعوت به توبه کرد، و منت نهاد و توبهٔ او را پذیرفت. پس ای مردم دعوت او را بپذیرید و به سوی بهشتش سبقت بگیرید، تا گناهان شما را ببخشد، و دو برابر از رحمتش به شما بدهد. او را سپاس می‌گوییم به خاطر بزرگی و کمال صفاتش، و او را شکر می‌گزارم برای توفیقش و نعمت‌های فراوانش.

و شهادت می‌دهم که معبود به حق جز الله نیست. هیچ شریکی برای او در الوهیت و ربوبیت او نیست، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و رسول اوست که به سوی همهٔ جهانیان فرستاده است، که مومنان را به بهشتش بشارت دهد، و کافرین را به آتش و عذابش بیم دهد. درود و سلام خداوند بر او باد و بر خلیفه‌اش در امتش ابوبکر، و بر عمر که در قوی بودن و شدید بودن بر کافران مشهور بود، و بر عثمان که جاننش را در فتنه داد، و بر علی پسر عموی پیامبر و همسر دخترش، و بر سایر خاندان و اصحاب ایشان، و بر کسانی که به نیکی از آنها پیروی می‌کنند.

برادران و خواهران من: در درس گذشته دربارهٔ برخی از اسباب نوع اول که باعث جاودانه شدن در آتش جهنم می‌شود با شما صحبت کردیم، و در این درس به توفیق خداوند به بیان اسبابی از نوع دوم

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

می‌پردازیم یعنی اسبابی که فاعلش مستحق داخل شدن غیر جاودانه (موقت) در آتش جهنم می‌شود.

سبب اول: نافرمانی پدر و مادر، و معنای نافرمانی این است که به آنها

محبت نکند یا اینکه با آنها چه با گفتاریا کرداری ادبی کند، خداوند

می‌فرماید: **وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ**

عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا

قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا

كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ (الاسراء: ۲۳-۲۴) (و پروردگارت فرمان داده است

که جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو یا

هر دوی آنها نزد تو به سالخوردگی برسند، به آنها [حتی] «اف» مگو

و بر آنها فریاد مزن، و با آنها سخنی شایسته بگو * و برای آنها از

روی مهربانی، بال فروتنی بگستر و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که مرا

در کودکی پرورش دادند، به آنها رحمت آور).

و می‌فرماید: {وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَلَدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ} [لقمان: ۱۴] (و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ضعف روی ضعف حمل کرد، و دوران از شیر گرفتن او درد و سال است. [به او سفارش کردیم که] شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است).

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «سه گروه هستند که خداوند بهشت را بر آنان حرام کرده است: کسی که به شرابخواری عادت دارد، کسی که نسبت به والدین خود نافرمان و ناسپاس است،

و مردی که نسبت به فساد و بی‌عفتی در خانواده‌اش بی‌تفاوت باشد

[یعنی دیوث]». به روایت احمد و نسایی^۱

سبب دوم: قطع صلۀ رحم، و آن به این معناست که شخص رابطه‌اش را با نزدیکان خود قطع کند و حقوقی که برگردنش است مانند حقوق مالی و بدنی را ادا نکند. در صحیحین از جُبیر بن مُطعم رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قطع

۱- طرقی دارد که با آنها تقویت می‌شود (نویسنده). به روایت احمد (۶۹ / ۲) و نسائی: کتاب الزکاة، باب المنان بما أعطی (۲۵۶۲) از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما.

کننده وارد بهشت نمی‌شود»^۱ سفیان رحمه الله فرمودند: یعنی قطع

کننده [صله] رحم^۲.

و همچنین در صحیحین از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «رَحِم (پیوند خویشاوندی) برخاست و گفت: ای خدای عز و جل، این جایگاه کسی است که از قطع رابطه به تو پناه می‌برد! خداوند فرمود: آیا راضی نمی‌شوی که هر کس تو را پیوند دهد، من نیز او را پیوند دهم، و هر کس تو را قطع کند، من نیز او را قطع کنم؟ رحم گفت: بله، ای پروردگار! خداوند فرمود: پس این برای توست. رسول خدا صلی الله علیه وسلم

۱- به روایت بخاری: کتاب الأدب، باب إثم القاطع (۵۹۸۴) و مسلم: کتاب البر والصلة والآداب، باب صلة الرحم وتحريم قطيعتها (۲۵۵۶).

۲- به روایت مسلم: کتاب البر والصلة والآداب، باب صلة الرحم وتحريم قطيعتها (۲۵۵۶ / ۱۸).

فرمودند: اگر خواستید، این آیه را بخوانید: {فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ} [محمد: ۲۲-۲۳] (پس آیا اگر روی بگردانید، در زمین فساد خواهید کرد و پیوندهای خویشاوندی را خواهید برید؟ آنان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده و گوش‌هایشان را کرو چشم‌هایشان را نابینا ساخته است).^۱

متأسفانه می‌بینیم که امروزه بسیاری از مسلمانان از عمل به این واجب الهی غافل هستند و حق والدین و نزدیکان را رعایت نمی‌کنند و قطع رحم می‌کنند. دلیلشان این است که آنها با ما رابطه ندارند، ولی این دلیل درستی نیست، زیرا اگر قرار باشد فقط با کسی رابطه

۱- به روایت بخاری: کتاب التفسیر، تفسیر سورة محمد، باب {وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ} (۴۸۳۰) و مسلم: کتاب البر والصلة والآداب، باب صلة الرحم وتحريم قطيعتها (۲۵۵۴).

داشته باشد که با او رابطه دارد، پس این صلۀ رحم برای خدا نیست بلکه این یک پاداش و مقابله به مثل است، چنانکه در صحیح بخاری از عبد الله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صلۀ رحم کننده کسی نیست که فقط در برابر نیکی دیگران نیکی کند، بلکه صلۀ رحم کننده واقعی کسی است که اگر خویشاوندانش از او ببرند، او پیوندشان را حفظ کند»!

و از ابو هریره رضی الله روایت است که مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت من خویشاوندانی دارم که من با آنها رابطه دارم (صلۀ رحم می‌کنم) ولی آنها با من رابطه ندارند، به آنها نیکی می‌کنم ولی آنها به من بدی می‌کنند، و در برابر بدی کردن آنها صبر

۱- به روایت بخاری: کتاب الأدب، باب لیس الواصل بالمکافی (۵۹۹۱).

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

می‌کنم ولی آنها به من بی‌توجهی می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر همان‌طور که گفתי رفتار کنی، گویا به آنان خاکستر داغ می‌خورانی، و تا زمانی که بر این روش باشی، همواره یاری‌ای از سوی خدا در برابر آنان خواهی داشت». به روایت مسلم.^۱

بنابراین اگر او پیوند خویشاوندی‌اش را پیوسته بدارد و خویشانش با او قطع رابطه کنند، فرجام نیک از آن اوست و اگر خداوند برایشان خیر بخواهد آنان نیز ارتباطشان را با او پیوسته خواهند داشت.

سبب سوم: خوردن ربا، خداوند متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ * وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ {آل**

۱- به روایت مسلم: کتاب البر والصلة والآداب، باب صلة الرحم وتحريم قطيعتها (۲۵۵۸).

عمران: ۱۳۰-۱۳۲] ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را، چندین برابر افزایش یافته، مخورید و از [مخالفت با] الله بپرهیزید، باشد که رستگار شوید* و از آتشی که برای کافران آماده شده است، بپرهیزید* و از الله و پیامبر [او] اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید).

و خداوند کسی را که بعد از نصیحت و تحذیر به ربا برگردد تهدید کرده است، و او را وعید داده که جاودانه در آتش جهنم خواهد ماند.

خداوند متعال می‌فرماید: **الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** [البقرة: ۲۷۵] (کسانی که ربا می‌خورند [روز قیامت از قبر]

برنمی‌خیزند؛ مگر مانند برخاستن کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است [و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند]. این، به خاطر

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

آن است که آنان گفتند: داد و ستد نیز مانند ریاست [و هر دو، مال را افزون می کند]؛ در حالی که الله، داد و ستد را حلال و ربا را حرام نموده است. پس هر کس که از [جانب] پروردگارش پندی به او برسد و [از رباخواری] دست بردارد، آنچه گذشته و [سودهایی که قبل از نزول حکم ربا دریافت کرده است] از آن اوست و [در مورد آینده نیز] کارش به الله واگذار می شود؛ و [لی] کسانی که [به رباخواری] بازگردند، اهل آتش [دوزخ] هستند و در آن جاودانند [یعنی به مدت طولانی در آن خواهند بود].

سبب چهارم: خوردن اموال یتیمان چه پسر باشند یا دختر، و به بازی گرفتن اموال آنها، و هدر دادن آنها. حق تعالی می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا** [النساء: ۱۰] (کسانی که اموال یتیمان را به ظلم می خوردند در

حقیقت آتش جهنم را به شکم‌هایشان می‌ریزند و به زودی در آتش فروزان درآیند).

یتیم کسی است که پدرش قبل از اینکه او به سن بلوغ برسد فوت کرده باشد.

سبب پنجم: گواهی دروغ. ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که شهادت دروغ داده است از جایش تکان نمی‌خورد تا اینکه خداوند جهنم را بر او واجب می‌سازد».^۱ به روایت ابن ماجه و حاکم. حاکم گفته است که سند آن صحیح است.^۲

۱- به روایت ابن ماجه: کتاب الأحکام، باب شهادة الزور (۲۳۷۳) و حاکم (۹۸/۴).
۲- این تساهلی از سوی حاکم رحمه الله، و درست آن است که سند این حدیث بسیار ضعیف است، اما امام احمد با سندی که راویانش ثقه هستند حدیثی در تایید آن آورده، جز آنکه از تابعی سند او نام برده نشده است. (نویسنده). به

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

و شهادت دروغ: یعنی اینکه به چیزی که نمی‌دانی گواهی بدهی، یا به چیزی گواهی بدهی که می‌دانی خلاف واقعیت است، زیرا شهادت جایز نیست مگر در حالت‌هایی که طرف علم یقین دارد که آن واقعیت است، و در حدیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به شخصی گفت: «آیا این خورشید را می‌بینی؟»، گفت: بله! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «به مانند این شهادت بده، و یا منصرف شو»!

سبب ششم: رشوه گرفتن. از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو در آتش

روایت احمد (۵۰۹ / ۲) از ابوهریره رضی الله عنه با لفظ: «کسی که بر مسلمانی شهادتی دهد که اهل آن نیست، جایگاهش را در دوزخ مهیا سازد».

۱- به روایت حاکم (۱۱۰ / ۴).

هستند». به روایت طبرانی.^۱ بنابر گفته صاحب کتاب ترغیب وترهیب

راویان آن مورد اعتماد و شناخته شده هستند.^۲

در کتاب «النهایه»^۳ آمده است که: «رشوه دهنده کسی است که پول می‌دهد تا کار باطلی را برای او انجام دهند، و رشوه گیرنده کسی است که این کار را انجام می‌دهد. اما اگر پولی برای گرفتن حق خود یا دفع ظلم داده شود داخل این حدیث نمی‌شود».

سبب هفتم: قسم دروغ (غموس: فرو برنده)، از حارث بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم در حج در حالیکه داشت جمرات را سنگ می‌زد فرمودند:

۱- به روایت طبرانی در المعجم الأوسط (۲۰۲۶) و در الصغیر (۵۸) و در الدعاء (۲۰۹۴).

۲- الترغیب والترهیب (۳۳۴۸).

۳- النهایة فی غریب الحدیث والاثار (۲/ ۵۴۶).

«کسی که مال شخصی را به قسم دروغ بگیرد جایگاه خود را در جهنم آمده شده ببیند. هر کس این سخن مرا شنید به دیگران نیز برساند» این را دو یا سه بار فرمودند. به روایت احمد و حاکم. حاکم آن را صحیح دانسته است.^۱

از آن رو به آن قسم غَموس (فرو برنده) می گویند زیرا صاحبش را در گناه و سپس در آتش جهنم فرو می برد، و فرقی نمی کند که در یک ادعای دروغین قسم دروغ بخورد، یا اینکه برای انکار چیزی سوگند دروغ یاد کند و حکم به برائت او بدهند.

سبب هشتم: قضاوت کردن بین مردم بدون علم یا از روی ظلم، به دلیل حدیث بُریده بن حُصیب رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قاضیان سه گروهند؛ یک گروه به بهشت می روند و

۱- به روایت احمد (۱/ ۱۹۰) و حاکم (۴/ ۲۹۵).

دو گروه به جهنم. اما آن قاضی که حق را شناخت و به آن حکم کرد به بهشت می‌رود، و قاضی‌ای که حق را شناخت ولی بر خلاف آن حکم کرد به جهنم می‌رود، و قاضی‌ای که به نادانی بین مردم حکم کرد به جهنم می‌رود». به روایت ابو داوود و ترمذی و ابن ماجه^۱.

سبب نهم: فریب دادن مردم، یعنی به گونه‌ای تصرف کند که به ضرر مردم باشد، یا اینکه در کارش خیانت کند، به دلیل حدیث معقل بن یسار رضی الله عنه که گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم

۱- صاحب بلوغ المرام می‌گوید: چهار تن آن را روایت کرده‌اند و حاکم آن را صحیح می‌داند. (نویسنده). به روایت ابوداود: کتاب الأقضية، باب فی القاضی یخطئ (۳۵۷۳) و ترمذی: کتاب الأحکام، باب ما جاء عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فی القاضی (۱۳۲۲) و نسائی در السنن الکبری: کتاب القضاء، باب ذکر ما أعد الله تعالى للحاکم الجاهل (۵۹۲۲) و ابن ماجه: کتاب الأحکام، باب الحاکم یجتهد فیصیب الحق (۲۳۱۵) و حاکم (۹۰/۴). نگا: بلوغ المرام (۱۴۱۳).

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

فرمودند: «هر کسی که خداوند کسانی را زیر رعایت او قرار داده است و در حالی بمیرد که به آنها خیانت کرده باشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند». متفق علیه.^۱

و این تهدید کسی را که مسئول خانواده‌اش است و فرمانروایی که مسئول مردم است و دیگران را شامل می‌شود، به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «همه شما مسئول هستید، و همه شما مسئول زیردستان خود هستید. امام مسئول زیردستان خود است، و مرد مسئول خانواده خود است، و زن مسئول خانه شوهرش است، و خدمتکار مسئول حفظ اموال صاحب کار خود است، پس همه شما

۱- به روایت بخاری: کتاب الأحکام، باب من استرعى رعية فلم ينصح (۷۱۵۰) و مسلم: کتاب الإیمان، باب استحقاق الوالی الغاش لرعیته النار (۱۴۲).

مسئول هستید و همه شما مسئول زیر دستان خود هستید». متفق

علیه.^۱

سبب دهم: تصویرگری (نقاشی کردن) از آنچه روح دارد مانند انسان یا حیوان. از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر تصویرگری در آتش است، خداوند در برابر هر تصویری که کشیده یک نفس برای او خلق می‌کند و آن را در جهنم عذاب می‌دهد». به روایت مسلم.^۲ و در روایتی نزد بخاری آمده است که: «هر کس تصویری بکشد خداوند او را

۱- به روایت بخاری: کتاب الجمعة، باب الجمعة فی القرى والمدن (۸۹۳) و

مسلم: کتاب الإمارة باب فضيلة الإمام العادل (۱۸۲۹).

۲- به روایت مسلم: کتاب اللباس والزينة، باب تحريم تصوير الحيوان (۲۱۱۰).

عذاب می‌دهد تا در آن تصویر روح بدمد، و هرگز نمی‌تواند در آن روح بدمد»^۱.

اما تصویر درختان و گیاهان و میوه‌ها و مانند آن از چیزهای بی روح در قول بیشتر علما مشکلی ندارد، و بعضی حتی آن را هم نهی کرده اند به دلیل آنچه ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «الله عزوجل فرمود: چه کسی ظالم‌تر از کسی است که می‌خواهد مانند من خلق کند؟ اگر می‌تواند ذره‌ای یا دانه‌ای یا یک جو خلق کند»^۲.

سبب یازدهم: آنچه در صحیحین از حارثه بن وهب رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است که فرمودند: «آیا شما را از

۱- به روایت بخاری: کتاب البیوع، باب بیع التصاویر التی لیس فیها روح (۲۲۲۵).

۲- به روایت بخاری: کتاب التوحید، باب قول الله تعالی: {والله خلقکم وما تعملون} (۷۵۵۹).

اهل دوزخ آگاه نکنم؟ هر انسان تندخوی ترش روی بخیل متکبر»^۱
و «عُتْل» به کسی گفته می‌شود که تندخو و ترش رو باشد که نه حرف حق را قبول می‌کند و نه با مردم مهربان است، و «جَوَّاز» به کسی گفته می‌شود که بخیل باشد و مال اندوزد اما خیرش به مردم نرسد، و «مستکبر» کسی است که حق را قبول نمی‌کند، و با مردم متواضع نیست و خودش را از مردم بالاتر می‌بیند و نظر خود را همیشه نظر درست می‌پندارد.

سبب دوازدهم: استفاده از ظرف‌های طلا و نقره در خوردن و نوشیدن برای مردها و زن‌ها. در صحیحین از ام سلمه رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«کسی که در ظرف نقره**

۱- به روایت بخاری، کتاب تفسیر، تفسیر سورة ٢٠ والقلم، باب {عتل بعد ذلك زنیم} (۴۹۱۸) و مسلم: کتاب الجنة وصفة نعيمها وأهلها، باب النار يدخلها الجبارون (۲۸۵۳).

مجلس بیست و هفتم: درباره نوع دوم اسباب ورود به دوزخ

می‌نوشد گویی که آتش جهنم را به شکمش فرو می‌برد»^۱ و در روایتی نزد امام مسلم آمده است که: «همانا کسی که در ظرف‌های طلا و نقره می‌خورد یا می‌آشامد گویی که به شکمش آتش جهنم را فرو می‌برد»^۲.

پس برادران و خواهران من، از اسباب در افتادن در دوزخ به شدت بپرهیزید و به کارهایی پردازید که شما را از آتش جهنم دور کند تا به خوشبختی در آخرت برسید، و بدانید که کالای دنیا بسیار ناچیز و زود گذر و فانی است، و از خداوند ثابت بودن بر حق تا زمان مرگ را

۱- به روایت بخاری: کتاب الأشربة، باب آنية الفضة (۴۶۳۴) و مسلم: کتاب اللباس والزينة، باب تحريم استعمال أواني الذهب والفضة (۲۰۶۵).

۲- به روایت مسلم: کتاب اللباس والزينة، باب تحريم استعمال أواني الذهب والفضة (۱/۲۰۶۵).

بطلبید، و اینکه خداوند ما را با کسانی که به آنها نعمت داده است
یعنی مومنین و مومنات حشر کند.

خداوندا ما را بر حق ثابت قدم بدار، و ما را بر آن بمیران، و گناهان ما
و پدران و مادران ما و همه مسلمانان را ببخش، که تو بسیار رحم
کننده‌ای، ای مهربان‌ترین مهربانان. و درود و سلام فراوان بر
پیامبرمان محمد و بر خاندان و اصحاب ایشان باد.

مجلس بیست و هفتم: دربارهٔ نوع دوم اسباب ورود به دوزخ



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies